

نقد و بررسی

# از استوری تا برادران منزوی



پریسا کرم‌رضایی  
کارشناس ارشد نسخ خطی و آثار کمیاب کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

کمبریج شد و در سال ۱۹۴۷م بازنشسته گردید. وی سال‌های پایانی زندگی خود را در شهر کوچک هوو گذرانید و در ۲۴ آوریل ۱۹۶۷م در همان شهر درگذشت. او خانه مسکونی و مجموعه ارزشمند کتابخانه خود را به همراه یادداشت‌ها و دستنوشته‌های خود به انجمن سلطنتی آسیایی واگذار کرد.<sup>۲</sup>

### چگونگی چاپ اثر استوری:

جلد اول در دو بخش (بخش یکم در دو باب، باب دوم در سه فصل) و جلد دوم در یک بخش، با وقعه‌های طولانی، در طول سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۵۸م، منتشر شد. موضوعات این دو جلد و سال انتشار آنها به شرح زیر است:

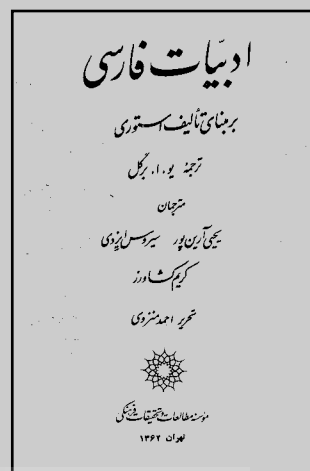
### جلد یکم:

- بخش یکم، باب یکم: نگاه‌ها درباره قرآن (۱۹۲۷م)؛
  - بخش یکم، باب دوم، فصل یکم: تاریخ عمومی، پیامبران و صدر اسلام (۱۹۳۵م)؛
  - بخش یکم، باب دوم، فصل دوم: تاریخ ایران و سرزمین‌های دیگر به جز هندوستان (۱۹۳۶م)؛
  - بخش یکم، باب دوم، فصل سوم: تاریخ هندوستان (۱۹۳۹م)؛
  - بخش دوم: تألیفات درباره تراجم احوال، افزودگی‌ها و اصلاحات بر آنچه پیش از آن چاپ شده بود و فهرست‌های راهنما (۱۹۵۳م).
- جلد دوم:**
- بخش یکم: ریاضیات، اوزان و مقادیر، ستاره‌بینی، ستاره‌شناسی و جغرافیا (۱۹۵۸).

نشر کتاب استوری پس از سال ۱۹۵۸، به دلیل کهنوت و ضعف قوای جسمانی و روحی وی متوقف شد.<sup>۳</sup> استوری برای بخش‌های بعدی کتاب نیز مطالبی گرد آورده بود، اما فرصت تکمیل یادداشت‌هایش را نیافت. موضوعات بخش‌های چاپ نشده اثر او

چارلز آمبروز استوری (C. A. Story) (۱۸۸۸ - ۱۹۶۷م) شرق‌شناس انگلیسی مؤلف اثر ارزشمند ادبیات فارسی (Persian Literature: A bioBibliographical Survey) است که جلد نخست آن در سال ۱۹۲۷م به کوشش مؤسسه انتشاراتی و کتابفروشی معروف لوزاک در لندن منتشر گردید. استوری که استاد زبان عربی در دانشگاه کمبریج بود و سال‌ها سمت معاونت و ریاست کتابخانه دیوان هند را در لندن بر عهده داشت تألیف اثری مانند اثر مشهور بروکلمان (C. Brockelmann)، تاریخ نگاه‌ها (Arabischen Litterature Geschichte der) را در باره کتاب‌های فارسی برای ایران‌شناسان بسیار ضروری می‌دانست و با این هدف نزدیک به چهل سال از زندگی خود را صرف تدوین این اثر مهم کرد. اما توفیق نیافت تا چنانکه می‌خواست اثری همچون اثر بروکلمان پدید آورد که همه آثار نگاشته شده به زبان فارسی را در موضوعات ادبی و علمی و دینی و جز آن در در بر بگیرد. اثر او در حقیقت یک راهنمای کتاب‌شناسی است که به کمک آن می‌توان اطلاعات مفیدی را درباره آثار نگاشته شده به زبان فارسی که تاکنون شناخته شده است به دست آورد. منظور از «ادبیات» (Literature) در اینجا، هر گونه اثر مکتوب، به جز اسناد و اوراق شخصی و مانند آنهاست، چنانکه در اثر بروکلمان نیز چنین است.<sup>۱</sup> زبان «فارسی» نیز در اینجا چنانکه در عرف و عادت شرق‌شناسان اروپایی معمول است، آثار نوشته شده به فارسی تاجیکی و فارسی کابلی را نیز شامل می‌شود. در نتیجه اثر استوری علاوه بر ایران و آسیای میانه، هندوستان و افغانستان و ترکستان و ترکیه و قفقاز را نیز در بر می‌گیرد.

استوری در سال ۱۸۸۸م در نزدیکی شهر دورهان به دنیا آمد. زبان یونانی و لاتین و چند زبان شرقی را در دانشگاه کمبریج آموخت و از سال ۱۹۱۴م در کالج شهر علیگره به تدریس زبان عربی پرداخت. در سال ۱۹۱۹م معاونت و در سال ۱۹۲۷م مدیریت کتابخانه دیوان هند را در لندن برعهده گرفت. در سال ۱۹۳۳م استاد زبان عربی دانشگاه



عبارت‌اند از: آیین باب، دین، انشاء، مسیحیت، حدیث، اخلاق، دامپزشکی، علوم خفیه، فرهنگ نویسی، قصص، تصوف، دائرةالمعارف‌ها، پزشکی، فقه، شعر، دین هندو، حقوق، هنر و صنایع، تذکرها، تاریخ و تفسیر، ادعیه، علم بلاغت و معما، دستور زبان فارسی، عروض، امثال، منطق، فالگیری، علم اخلاق، الهیات، آیین زرتشت.<sup>۴</sup>

#### ترجمه برگل:

یوری انوخویچ برگل Yurii Enkhovich Bregel (ت. ۱۹۲۵م)<sup>۵</sup> کتاب استوری را به روسی ترجمه کرد و از آنجا که ترجمه بدون تغییر این اثر بی‌په‌وده می‌نمود و برخی از مطالب استوری با توجه به اطلاعاتی که در سال‌های بعد به دست آمده بود کهنه و منسوخ شده بود، او ضمن ترجمه، اصلاحات و اضافاتی را در متن کتاب انجام داد. ترجمه برگل در سال ۱۹۷۲م در سه جلد و ۱۸۸۴ صفحه در مسکو به چاپ رسید.

تنظیم مطالب در چاپ ترجمه برگل به جز پیش‌گفتار و اختصارات و منابع به گونه زیر است:

جلد اول: نگاشته‌ها درباره قرآن، تاریخ عمومی، تاریخ پیامبران و صدر اسلام و جز آن.

جلد دوم: نگاشته‌ها درباره تاریخ ایران، آسیای میانه و سرزمین‌های دیگر، به جز سرزمین هند.

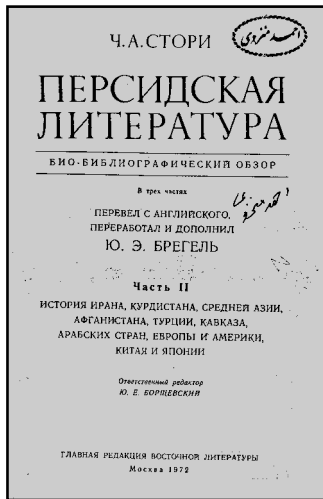
ترجمه روسی این دو جلد در سال ۱۹۶۷ پایان یافت و برگل تا هنگام سپردن کتاب به چاپخانه، در سال ۱۹۷۰م، بر پایه اطلاعات تازه‌ای که تا آن هنگام به دست آمده بود به تکمیل کتاب پرداخت و در مدت زمان میان دادن ترجمه روسی کتاب به چاپخانه و چاپ کتاب، در مراحل نمونه‌خوانی و غلط‌گیری باز هم براساس منابع تازه‌ای که به دست آورده بود اصلاحات و افزودگی‌هایی را انجام داد و جلد سوم کتاب را به این مطالب اختصاص داد. لازم به ذکر است که برگل بنا بر دلایلی برای چاپ روسی کتاب فرصت کمی داشت و کل کار ترجمه و گردآوری اطلاعات جدید را در مدت سه سال و نیم انجام

داد و چیزی در حدود دو سوم متن اصلی بر کتاب استوری افزود. او در نظر داشت که جلد‌های دیگر کتاب را نیز برای چاپ روسی آماده کند. اهمیت کار برگل در تکمیل اثر ارزشمند استوری در منابع مورد استفاده او، که پس از استوری به چاپ رسیده‌اند، است. منابع استوری عبارت بود از فهرست‌های نسخه‌های خطی، فهرست‌های چاپی، فهرست بنگاه‌های کتابفروشی، آثار کتاب‌شناسی، کتاب‌های تراجم و احوال، مقاله‌های علمی و اطلاعاتی که خاورشناسان دیگر از نقاط مختلف اروپا و آسیا برای او می‌فرستادند.

برگل توانست ۱۰۳ فهرست تازه چاپ و مجلد‌های جدید فهرست‌های قبلی مورد استفاده استوری را به مجموعه ۱۵۹ فهرست خطی مورد استفاده او بیفزاید. این فهرست مربوط به ایران، ترکیه، کشورهای عربی، افغانستان، پاکستان، هند، مصر، روسیه و کشورهای اروپایی و امریکا بود. طبعاً برگل توجه ویژه‌ای به فهرست‌های کشور روسیه که کمتر در کشورهای دیگر شناخته شده بود داشت.

مبنای کار استوری در مورد چاپ‌های آثار، فهرست کتاب‌های فارسی موزه بریتانیا تألیف ادواردز (۱۹۲۲) بود همچنین او بخشی از اطلاعات خود را در این زمینه از فهرست نسخه‌های خطی منتشر شده در ایران و هند و ترکیه به دست آورد که در آنها به مناسبت به کتاب‌های چاپی اشاره شده است. او از نشریه Bibliotheca Orientalis (کتابخانه شرقی) و Orientalistische Literatur Zeitung (روزنامه ادبی شرق‌شناسی) و جزوه‌های کتاب‌شناسی انتشار یافته در کشورهای شرقی و جز آن بهره برد.

برگل از راهنمای کتاب‌شناسی الذریعه الی تصانیف الشیعه که استوری فقط برخی از جلد‌های آن را در دسترس داشت و از دو راهنمای دیگر کتاب‌های فارسی به نام فهرست کتاب‌های چاپی فارسی و مؤلفین کتاب‌های چاپی فارسی اثر خانابا مشار که در سال ۱۳۵۰ در ایران به چاپ رسید بهره برد و اطلاعات بسیاری را درباره چاپ آثار گوناگون فارسی به دست آورد. همچنین او از دفترهای کتاب‌شناسی ملی ایران (شماره‌های ۳ تا ۱۱) که استوری فقط شماره



۱ و ۲ آن را در اختیار داشت استفاده کرد. او در بخش «نگاشته‌ها درباره قرآن» از دو جلد فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی که بیشتر نسخه‌های خطی موجود در ایران و کشورهای عربی و نیز بسیاری از نسخه‌های موجود در اروپا، مصر، عراق، ترکیه، هند، روسیه و آمریکا را با تقسیم‌بندی موضوعی نشان می‌دهد بهره برد. استوری بسیاری از مقاله‌های علمی نگاشته شده به زبان‌های اروپایی را درباره آثار فارسی و مؤلفان آنها بررسی کرد. اما در زمان او هنوز فهرست جامع و کاملی از مقالات فارسی منتشر شده در مجله‌ها و مجموعه‌ها تدوین نشده بود و از فهرست مقالات ایرج افشار تنها جلد اول به چاپ رسیده بود.

است به گونه زیر است:  
استوری مطالب کتاب خود را در هر رشته و موضوع براساس نام نویسندگان با رعایت تقدم و تأخر تاریخی آنها تنظیم کرده است و برای هر نویسنده یک شماره (مانند شماره ردیف) در نظر گرفته است که در چاپ برگل با حروف سیاه مشخص شده است. سپس به اختصار به زندگی مؤلف و افرادی که با زندگی و نگارش او مربوط بوده‌اند اشاره می‌کند و آثار دیگر او را نام می‌برد و اطلاعات خود را با ارجاع و استناد به مأخذ و منابع، از جمله کشف‌الظنون و کتاب اعجاز حسین همراه می‌کند.

پس از آن نام هر یک از آثار مورد نظر را با حروف سیاه و خمیده به ترتیب تاریخ نگارش می‌آورد و ویژگی‌ها و مشخصات کلی هر یک را یاد می‌کند. البته میزان اطلاعات ارائه شده در این قسمت متفاوت است.

سپس نسخه‌های خطی موجود از آن اثر، بر مبنای فهرست‌های نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف جهان به ترتیب تاریخ کتابت و با ذکر جای نگهداری معرفی می‌گردد. البته گاهی برای آنکه نسخه‌های متعدد یک کتابخانه در کنار یکدیگر قرار گیرند از این ترتیب عدول شده است. نسخه‌هایی که در فهرست‌ها یاد نشده‌اند، ولی در مقالات یا در پیش‌گفتار چاپ‌ها یاد گردیده‌اند جداگانه آورده می‌شود. درباره هر نسخه، علاوه بر تاریخ کتابت، کامل یا ناقص بودن آن نیز ذکر می‌شود و گاهی به نقص‌ها و افتادگی‌ها و نیز بخش‌ها و باب‌ها و فصل‌های موجود در آن نیز اشاره می‌شود. نسخه‌های کامل و ناقص جداگانه یاد می‌گردند. سال و ماه کتابت در صورتی که معلوم باشد و اگر نباشد به تقریب با ذکر سده بیان می‌شود. مواردی که نسخه به خط نگارنده باشد یا از روی آن نوشته شده یا با آن مقابله گردیده باشد نیز مشخص شده است.

پس از معرفی نسخه‌ها، چاپ‌های مختلف کتاب، نخست چاپ‌های کامل و سپس چاپ‌های ناقص، معرفی می‌گردند. در ادامه به ترجمه‌های گوناگون اثر به زبان‌های دیگر و گزیده‌های تهیه شده از آن اشاره می‌شود.

سپس تحت عنوان «توصیفات» (Descriptions) آثاری که به بررسی اثر مورد نظر و نگارنده آن پرداخته‌اند معرفی می‌گردد. در پایان هر قسمت مأخذی که اطلاعاتی را از احوال نگارنده به دست می‌دهد در میان [...] آورده می‌شود.

در «ملحقات» (Appendix) پایان هر بخش موضوعی یا هر فصل از کتاب، ابتدا آثاری که تاریخ تألیف آنها روشن نیست و یا در هنگام نگارش این کتاب روشن نبوده است، سپس آثاری که عنوان معین ندارند، اما مؤلف آنها مشخص است و نیز آثاری که عنوان مؤلف آنها شناخته نیست یاد می‌گردند.

در صورتی که از یک مؤلف چند اثر به جای مانده باشد که هر یک به یک بخش از کتاب مربوط باشد زندگینامه مؤلف تنها در یک

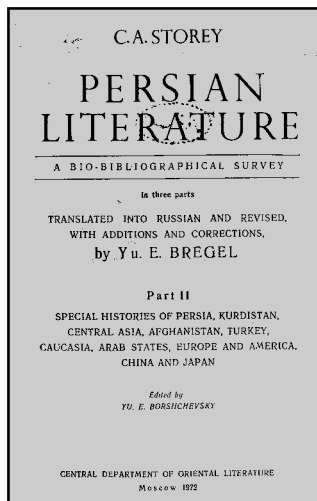
کتاب‌شناسی مشهور Index Islamicus که برای آثار اروپایی منتشر شده در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۰۵، به کوشش ج. پیرسن، تدوین شده است در سال ۱۹۵۸م به چاپ رسید و برگل توانست از آن و پیوست آن (تا سال ۱۹۶۵ و پس از آن) استفاده کند. او همچنین برخی از نشریات ایران را که در کتابخانه‌های روسیه یافت می‌شد، از جمله: یادگار، فرهنگ ایران زمین، راهنمای کتاب، مجله دانشکده ادبیات تهران و نشریه دانشکده ادبیات تبریز را مورد بررسی قرار داد و از جلد دوم فهرست مقالات ایرج افشار استفاده کرد.

استوری برای معرفی مؤلفان و زندگینامه آنان بنا بر فهرست مأخذ ابتدای کتاب از ۴۲ کتاب در زمینه تراجم، شرح احوال، رجال و تذکره‌ها و جز آن، به زبان فارسی، عربی و اردو، استفاده کرد که تعداد آنها درخور توجه است. برگل فرهنگ چهار جلدی شرح حال رجال ایران تألیف مهدی بامداد و احوال و آثار خوشنویسان مهدی بیانی را نیز در اختیار داشت. برخی از اصلاحات و افزوده‌های برگل شامل توضیح درباره سرگذشت مؤلفان، معرفی نسخه‌های خطی از کتاب‌ها (با توجه به منابعی که استوری ندیده بود)، معرفی چاپ‌های آثار و آثار دیگر مؤلفان و غیره است.

#### طرح کلی کتاب:

برگل ساختمان اصلی کتاب استوری را تغییر نداد و فقط افزودگی‌ها و اصلاحات (Additions and Corrections) استوری را بدون هیچ اشاره و تذکری در محل خود در متن آورد، حتی اگر متن اصلی را دگرگون می‌ساخت. در برخی موارد چنانچه استوری در بخش‌های بعدی کتاب خود اطلاعات کامل‌تر و درست‌تری را درباره مؤلفان و آثاری که در بخش‌های گذشته ثبت شده بودند آورده بود آنها را بدون هیچ نشانه‌ای به جای نخستین خود منتقل کرده است. برگل اصلاحات و افزوده‌های خود را نیز در جای خود در متن اضافه کرد، اما آنها را درون پرانتز شکسته <...> قرار داد.

طرح کلی کتاب استوری که در ترجمه برگل نیز رعایت شده



جا که از حیث موضوع بیشترین و یا مشهورترین آثار او را در بر می‌گیرد آورده می‌شود و در قسمت‌های دیگر به این شماره ارجاع داده می‌شود.

برگل در تکمیل کتاب استوری، در قسمت‌های مختلف کتاب نام بسیاری از مؤلفان را به همراه نام کتاب‌هایشان و نیز آثاری را بدون نام مؤلف با رعایت توالی تاریخی در محل خود گنجانده. در نتیجه در چاپ روسی، ردیف‌ها از نو شماره‌گذاری گردید و برای تطبیق با شماره‌های چاپ انگلیسی در کنار شماره‌های تازه که با حروف سیاه مشخص شده، شماره‌های قبلی چاپ انگلیسی در میان [...] نشان داده شده است. برگل هنگامی که آثاری را از مؤلفانی که

استوری معرفی کرده بود به متن اضافه می‌کرد آنها را در همان شماره ردیف با شماره مکمل ۲ و ۳ و جز آن می‌آورد.

میزان اصلاحات برگل در بخش‌های مربوط به تاریخ آسیای میانه و تاریخ قفقاز، به دلیل دسترسی به منابع روسی، به حدی بود که در متن اصلی کتاب دگرگونی‌های کلی پدید آورد و برخی از شماره‌ها را از نو نوشت و تنها نام نگارنده و عنوان کتاب از استوری به جای ماند. بنا بر مقدمه برگل، او در حدود ۱۰۸۰ عنوان کتاب و بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی نویافته را به فهرست استوری افزود.<sup>۷</sup>

از نظر تاریخی نیز افزوده‌های برگل در جلد اول بیشتر مربوط به آثار سده‌های دوازدهم تا چهاردهم هجری قمری است و کمتر از همه مربوط به تاریخ پیش از مغول است. همچنین از آنجا که استوری محدوده تاریخی معینی را رعایت نکرده است و گاه به آثار معاصر نیز اشاره نموده است، برگل نیز به دشواری این محدوده را رعایت می‌کند، اما به هر حال افزوده‌های او از حدود نیمه اول قرن چهاردهم فراتر نرفته است.

#### طبقه‌بندی موضوعی:

استوری شیوه طبقه‌بندی متفاوتی را برگزید. او برخلاف بروکلیمان که تقسیم‌بندی کتاب خود را برپایه دوره‌های تاریخی قرار داده بود، موضوع کتاب‌ها را پایه طبقه‌بندی قرار داد. در طبقه‌بندی بروکلیمان همه آثاری که متعلق به یک دوره تاریخی هستند، در یک بخش جای می‌گیرند، اما در حال حاضر طبقه‌بندی استوری مناسب‌تر به نظر می‌رسد. از سوی دیگر استوری در هر موضوع، مؤلفان را پایه طبقه‌بندی قرار داد و نه کتاب‌ها را و به این ترتیب ناچار شد آثاری را که نام مؤلف آنها شناخته شده نیست در بخش جداگانه‌ای به نام «ملحقات» در پایان هر فصل جای دهد، بدین ترتیب مأخذی که متعلق به یک دوره هستند در یک جا گرد آورده نشده و پراکنده هستند.

کتاب با «نگاشته‌ها درباره قرآن» آغاز می‌شود. بنا بر نظر برگل در مقدمه کتاب، استوری احتمالاً دلایلی برای این کار داشته است، از

جمله این که قرآن نیز مانند انجیل در جهان غرب، تأثیر کلی در سنن تاریخی مسلمانان داشته است. دوم این که براساس سنت متداول مسلمانان در بیشتر فهرست‌های نسخه‌های خطی اسلامی، علوم قرآنی در ردیف اول جای می‌گیرد. همچنین شاید فهرست نسخه‌های خطی تالیفات عربی درباره قرآن که استوری در همین اوقات مشغول تنظیم آن بوده است در این انتخاب بی تأثیر نبوده است.<sup>۸</sup>

تقسیم‌بندی موضوعات در کتاب استوری به قرار زیر است:

۱. نگاشته‌ها درباره قرآن، شامل:

الف) ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن؛

ب) واژه‌نامه‌های قرآن؛

ج) تجوید و قرائت و مسائل گوناگون قرآنی؛

د) رسم الخط؛

ه) راهنماها و کشف الایات و مانند آن؛

و) خواص القرآن؛

ز) فالنامه؛

ح) نگاشته‌های مختلط المضمون قرآنی.

۲. نگاشته‌ها درباره تاریخ، شامل:

الف) تاریخ عمومی؛

ب) تاریخ پیامبران، شامل ۱) قصص الانبیا ۲) تاریخ حضرت

محمد (ص) ۳) خلفای نخستین و امامان

۳. تاریخ ایران، شامل:

۱) تاریخ عمومی ۲) دودمان‌های پیش از اسلام ۳) غزنویان ۴)

سلجوقیان ۵) خوارزمشاهیان ۶) مغولان

آل مظفر ۸) تیموریان ۹) قراقویونلو ۱۰) آق قویونلو ۱۱) صفویان

۱۲) نادرشاه ۱۳) زندیان ۱۴) قاجاریان ۱۵) رضا شاه پهلوی و خاندان او.

سپس فصل مربوط به تاریخ ایران با تاریخ شهرهای مختلف

ایران ادامه می‌یابد: ۱۶) قم ۱۷) اصفهان ۱۸) نائین ۱۹) کاشان ۲۰)

یزد ۲۱) فارس ۲۲) شبانکاره ۲۳) خراسان ۲۴) کرمان و هرمز ۲۵)

طبرستان ۲۶) گیلان ۲۷) سیستان ۲۸) خوزستان ۲۹) بختیاری ۳۰)

آذربایجان ۳۱) کردستان.

۴. تاریخ آسیای میانه، شامل تاریخ بخارا؛ خیوه و ترکمنستان؛

فرغانه؛ کاشغر؛

۵. تاریخ افغانستان؛

۶. تاریخ آسیای صغیر و ترکیه؛

۷. تاریخ قفقاز؛

۸. تاریخ کشورهای عرب

۹. تاریخ اروپا و آمریکا شامل: آمریکا؛ انگلستان؛ آلمان؛ یونان؛

اروپا؛ اسپانیا؛ ایتالیا؛ کرت؛ جنگ جهانی؛ پرتغال؛ روم؛ روسیه؛ جنگ

روس و ژاپن؛ فرانسه؛ سوئد.

۱۰. تاریخ چین و ژاپن.

کتاب استوری از اینجا به بعد با تاریخ هندوستان ادامه می‌یابد، اما ترجمه برگل تا همین جا را دارد.

در فهرست بالا مشخص نیست که چه ترتیبی در ذکر شهرهای ایران و کشورها رعایت شده است. از سوی دیگر در جلد دوم کتاب، همان طور که ملاحظه می‌شود با تقسیم بندی ریزتر روبرو نیستیم، حال آنکه در جلد اول موضوع «مسائل گوناگون قرآنی» با تقسیمات جزئی‌تر ارائه شده است، مانند: وقوف؛ ادای همزه؛ ادغام، اظهار،...؛ قواعد قرائت سورة یکم؛ تعلیماتی برای قرائت سورة یکم؛ قرائت درست استعاده و... .

همان طور که برگل در مقدمه ترجمه خود بیان می‌کند این شیوه طبقه‌بندی نیز مانند هر نوع طبقه‌بندی دیگر مشروط است. همان طور که می‌دانیم آثاری که در سده‌های میانی و حتی پس از آن تألیف گردیده‌اند، چه در غرب و چه در شرق، جنبه التقاطی داشته‌اند و آنها را نمی‌توان به لحاظ فرم و سبک نیز به آسانی تفکیک کرد. آثار بسیاری وجود دارند که در آنها از انواع گوناگون ادبیات و رشته‌های گوناگون علوم سخن رفته است و چند فرم و سبک در یک نوع واحد گنجانده شده است. تألیفات تاریخی نه تنها دارای مطالب پراکنده‌ای درباره جغرافیا هستند، بلکه در آنها فصل‌های جداگانه‌ای به گیاه‌شناسی و جغرافیا اختصاص یافته است. مثلاً تذکره‌ها را می‌توان بنای تاریخ محلی قرار داد. از کتاب‌های جغرافیا مطالب مهم تاریخی به دست می‌آید. در کتاب‌های داستان و مجموعه‌های لطایف و ظرایف می‌توان به قطعاتی از رویدادهای تاریخی و تاریخ‌های محلی برخورد. منظومه‌هایی که به پیروی از شاهنامه سروده شده‌اند، تاریخ‌های موزون و مقفی هستند و چند تاریخی که به صورت منظوم ساخته شده‌اند تنها منظومه‌هایی مدح‌گونه هستند. بنابراین یک کتاب ممکن است به قسمت‌های مختلف طبقه‌بندی استوری مربوط باشد. استوری در این گونه موارد یکی از ویژگی‌های عمده تألیف را پایه کار قرار داد تا آن اثر را به صورت نوع و تیپ درآورد و جای آن را تعیین کند. پیداست که اشتباهی نیز رخ داده است.

#### ترجمه فارسی:

جلد اول کتاب برگل را یحیی آرین‌پور و کریم کشاورز و سیروس ایزدی از روسی به فارسی ترجمه کردند و احمد منزوی آن را تحریر کرد و تغییراتی را در نحوه تنظیم مطالب کتاب ایجاد نمود. این ترجمه در سال ۱۳۶۲ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی به چاپ رسید. ترجمه جلد دوم و بخش باقیمانده جلد سوم کتاب برگل را سال‌ها بعد، دکتر پروین منزوی انجام داد و دکتر علینقی منزوی آن را تحریر نمود و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به زودی آن را منتشر خواهد کرد. این کتابخانه در نظر دارد که دو جلد چاپ شده قبلی کتاب را نیز با ویرایش جدید تجدید چاپ کند.<sup>۱</sup> احمد منزوی نیز در تحریر ترجمه فارسی کتاب، تغییراتی را در تنظیم مطالب برگل ایجاد کرد که بدین شرح است:

۱) همه افزودگی‌ها و اصلاحات برگل را در جلد سوم در متن کتاب گنجانده و در جایی که مطالب جدید متن را به کلی دگرگون

می‌کرد، اطلاعات تازه را به جای متن قرار داد و به ضرورت، گاه تغییری را در متن کتاب ایجاد کرد، بدون اینکه تغییری در معنا ایجاد شود و مانند خود برگل آنها را در میان علامت «...» قرار داد.

۲) از آنجا که افزودن نام نگاشته‌های جدید شماره ردیف نگاشته‌ها را تغییر می‌داد، ترجمه فارسی از نو شماره‌گذاری گردیده و برای آسانی تطبیق آنها با تحریر روسی و انگلیسی کتاب، شماره گذشته آنها در چاپ روسی و انگلیسی در پانویس آورده شده است.

۳) منزوی همچنین، به خاطر سهولت دستیابی به آثار، ملحقات جلد سوم کتاب برگل را نیز در بخش ملحقات جلد اول و دوم که در پایان هر بخش موضوعی قرار دارد، ادغام کرد و شماره صفحه متن روسی را مانند شماره ردیف در داخل پرانتز آورد. همچنین چنانچه تاریخ تألیف اثری شناخته شده بوده، آن را از بخش ملحقات بیرون برده و در جای خود در متن گنجانده و گاه نیز به علت تغییر در تاریخ تألیف اثری در جلد سوم جای آن در جلد ۱ و ۲ تغییر داد. در همه این موارد شماره صفحه متن روسی در پانویس ذکر شده است. بدین گونه در ترجمه فارسی، جلد سوم اثر برگل به کلی در جلد اول و دوم ادغام گردیده است.

استاد در نظر داشت در ترجمه فارسی، با استفاده از منابع جدید، نسخه‌های خطی نویافته را به کتاب بیفزاید و اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی آن را تکمیل کند. به ویژه سرآغاز و تعداد باب‌ها و فصل‌های و فهرست مطالب آثار را که در شناسایی آنها بسیار مهم است بیاورد. اما چون این کار شکل کتاب را به کلی دگرگون می‌کرد، از انجام آن منصرف شد و چیزی بر کتاب نیفزود، اما برخی از توضیحاتی را که برپایه اطلاعات تازه و یا نادرستی در مطالب مؤلف و مترجم روسی ذکر آن لازم می‌نمود با ذکر نام خود در پانویس آورد. این کار در ترجمه جلد دوم اثر به قلم برادر ایشان، دکتر علینقی منزوی انجام شده است.

#### نقد و بررسی :

کتاب استوری و ترجمه برگل از مهمترین منابع کتاب‌شناسی و یکی از بهترین آثار خاورشناسی اروپایی در زمینه مطالعات ایران‌شناسی به شمار می‌رود و فواید بسیاری را در بر دارد. از این کتاب می‌توان اطلاعات مفیدی را درباره مؤلفان و آثار آنها و نسخه‌های شناخته شده تألیفات آنها با ذکر همه مأخذ کتاب‌شناسی به دست آورد و دیگر نیازی به کند و کاو فراوان در فهرست‌های متعدد که گاه نایاب نیز هستند نیست. زیرا اطلاعات بسیاری از منابع پراکنده گوناگون درباره یک موضوع در یک جا گرد آورده شده است. در حال حاضر تنظیم فهرست کامل و جامع نسخه‌های خطی فارسی بدون مراجعه به نگاشته استوری قابل تصور نیست.

فهرست چاپ‌ها و ترجمه‌ها نشان می‌دهد که چه کارهایی تاکنون انجام شده و چه کارهایی باید در آینده انجام شود و در کدام زمینه‌ها نیاز به تجدید نظر و بازنگری وجود دارد. گذشته از اینها این کتاب را باید منبعی مهم در شناخت تاریخ علوم دانست.

بدون شک استوری موانع و مشکلات بسیار زیادی را بر سر راه

خود داشته است، از جمله عدم دسترسی به کلیه متون و تألیفات فارسی که بیشتر به صورت نسخه خطی در سراسر جهان پراکنده است. بدیهی است که او امکان رؤیت همه نسخه‌ها را نداشته است (مگر نسخه‌های دیوان هند را که خود سرپرستی آنجا را بر عهده داشته است).

فهرست‌های نسخه‌های خطی به عنوان مهم‌ترین منبع کار استوری، گاه فقط عبارت از یک صورت و سیاهه‌های ساده الفبایی و مانند آن هستند و در آنها اغلب به موضوع و ساختار کتاب (ابواب و فصول) اشاره نشده است و در برخی موارد حتی اطلاعات نادرست وجود دارد.

استوری از چاپ‌های سنگی آثار و چاپ‌های تصحیح شده و چاپ‌های علمی اروپایی از نگاشته‌های فارسی اطلاعات خوبی را در باره نگاشته‌ها به دست می‌آورد. زیرا معمولاً در آنها اطلاعاتی درباره مؤلف کتاب، مأخذ و منابع کتاب و نسخه‌های خطی موجود از آن و مطالب دیگر به دست داده می‌شود، اما بیشتر چاپ‌های آثار که به منظور علمی تهیه نشده‌اند فاقد یک مقدمه پژوهشی خوب هستند. از سوی دیگر استوری به چاپ‌های شوروی سابق و برخی چاپ‌های ترکی و حتی فارسی کمتر دسترسی داشته است.

حتی فهرست کتاب‌های چاپ سنگی مجموعه شعبه لنین‌گراد انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم شوروی تألیف شگلوا در روزگاری که استوری مشغول تألیف کتاب خود بود زیر چاپ بوده است.<sup>۱۱</sup>

در زمان او در هیچ کتابخانه‌ای در ایران، افغانستان، هند، ترکیه و جز آن، فهرست کاملی از کتاب‌های چاپ سنگی و چاپ حروفی وجود نداشت و برخی از راهنماهای کتاب‌شناسی منتشر شده دارای همه اطلاعات لازم نبودند.

بنابراین این اثر همان طور که اشاره شد کامل و خالی از اشکال نیست. و این اثر باید بازنگری شود و اطلاعات جدید به آن افزوده گردد و اشکالات و نادرستی‌های آن برطرف شود. همچنین در همه موضوعات دیگر آثار فارسی ادامه یابد.

استوری برخلاف بروکلیمان

در (Geschichte der Arabischen Litterature) درباره آثاری که به روزگار ما نرسیده‌اند اطلاعاتی به دست نمی‌دهد، حال آنکه مأخذشناسی آثاری که از بین رفته‌اند از نظر تاریخ نگارش‌های فارسی حائز اهمیت است و چگونگی گسترش و تکامل رشته‌های گوناگون و تأثیر و پیوند متقابل مؤلفان را با یکدیگر نشان می‌دهد. استوری از سیاست واحدی پیروی نکرده است، با اینکه در جایی ذکر کرده که نمی‌خواهد اطلاعاتی از تاریخ نویسان معاصر ایران به دست بدهد و می‌توان نتیجه گرفت که کتاب او فقط ادبیات قرون وسطایی را دربر می‌گیرد، اما همیشه از این نظر پیروی نمی‌کند و در بخش‌های مربوط به تاریخ معاصر (سلسله پهلوی و جز آن)، کتاب‌های علمی معاصر را نیز در اثر خود گنجانده است.

استوری همه موضوعات و ادوار تاریخی را به یکسان مورد توجه قرار نداده است. به طور مثال اطلاعات او درباره نویسندگان سده‌های

۱۳ و ۱۴ هجری و آثار آنان بسیار کمتر از نویسندگان سده‌های پیشین است. مثلاً اطلاعات مربوط به تاریخ زندیان بسیار کوتاه است.

استوری اطلاعات اندکی را درباره ویژگی‌های نسخه‌های خطی بیان داشته است و در برخی موارد به تاریخ کتابت نیز اشاره نکرده که گاه به دلیل ضعف مأخذ او بوده است.

در این کتاب (استوری و برگل) برای یادکرد نام کتابخانه‌ها و برخی منابع از نشانه‌های اختصاری استفاده می‌شود. فهرست اختصارات منابع در چاپ روسی کتاب در جلد اول و سوم آمده است و در ترجمه فارسی کتاب این دو فهرست در هم ادغام شده است و نظم الفبایی آن از روسی به فارسی درآمده است.

اما برای انتخاب اختصارات از سیاست واحدی پیروی نشده و الگوهای مختلفی برای آن دیده می‌شود:

نام شهر محل کتابخانه: «باکو»، «تفلیس»، «دوشنبه»، «کلکت»، «ری»؛

نام مؤلف فهرست: «ایوانف» «راس و براون»، «روماسکوویچ»، «رهاتسک»، «ریو»؛

نام شهر + نام مؤلف: «بخارا، سمیونوف»، «تاشکند، کال»؛ «کپنهاگ، افشار»؛

نام کتابخانه + نام مؤلف: «مجلس، بهار»، «مجلس، گلچین معانی»؛

نام مؤلف + نام کتابخانه: «دورن + موزه آسیایی»، «روزن، مؤسسه» (= موسسه زبان‌های شرقی در سن پترزبورگ)؛

نام کتابخانه: «بوهار» «سپهسالار» «صولت»، «مجلس»، «درسدن»، «راس» (= انجمن پادشاهی آسیایی)، «دیوان هند»؛

نام شهر + نام کتابخانه: «تهران، ملی»، «استانبول، توپ‌قایی سرای»، «رامپور، کتابخانه دولتی»، «مسکو، کتابخانه لنین»، «کابل، کتابخانه دارالتحریر شاهی»؛

نام شهر + نام کتابخانه + نام مؤلف: «ادینبورگ، ملی، افشار»؛ نام دانشگاه یا مرکز آموزشی و علمی: «ایتن»، «کالج اگری»، «ترینیتی»؛

همچنین برای دانشگاه اوپسالا، «اوپسالا» و برای دانشگاه داکا، «دکا» انتخاب شده، اما برای دانشگاه تهران در ایران، «تهران، دانشگاه» و برای دانشگاه لکهنو «لکهنو، دانشگاه» برگزیده شده است.

نام شهر + نام دانشگاه یا مرکز آموزشی و علمی: «تهران، ادبیات»، «ادینبورگ، نیو کالج»، «تهران، دهخدا»، «ایران، ماتناداران»؛

و گاه نام مؤلف نیز به آن اضافه شده است: «استکلم، دانشگاه، افشار»؛

برای کتابخانه‌های شخصی از شکل‌های زیر استفاده شده است: نام فرد: مانند بیشتر مجموعه‌دارهای ترکیه در استانبول که در

فهرست تاوتر معرفی شده‌اند: احمد سوم، اسعد، حسن حسنی، حکیم اوغلو علی پاشا، رضا پاشا، سلیم آغا، عاشر و دیگران. همچنین ثامنی، خان ملک ساسانی، فرخ، فرهاد و مشکات در ایران و خانیکوف (در

کتابخانه عمومی سلطنتی پترزبورگ)، شفر (در کتابخانه ملی پاریس)، مدیت اونز (در موزه بریتانیا).

برای مجموعه ا. ج. ایس در کتابخانه شرقی لوزاک، شکل «الیس، مجموعه» انتخاب شده است.

نام شهر + نام فرد: مانند برخی از مجموعه‌دارهای ایرانی که مجموعه آنها در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران معرفی شده است: «اصفهان، عبدالعلی ادیب»، «اصفهان، جابری انصاری»، «کاشان، سید ابوالرضا»، «تبریز، جعفر سلطان‌القرایی» و نمونه‌های دیگر، و همچنین «دهلی، ظفر حسن»، «علیگره، سبح» (سبحان‌الله)، «فیلالدلیا، مجموعه لوییس»، «مدینه، عارف حکمت»،

و برای دو مجموعه علی‌اصغر حکمت و احمد جوادی، امام جمعه کرمان که به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اهدا شده‌اند و اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند، صورت «تهران، ادبیات، علی اصغر حکمت» و «تهران، ادبیات، احمد جوادی» برگزیده شده است.

نام کتابخانه (یا شهر): «عمومی» برای مجموعه عبدالنافع افندی در کتابخانه عمومی بایزید؛ «پرینستن» برای مجموعه روبرت گارت در کتابخانه دانشگاه پرینستن.

نام مؤلف + مجموعه: «ایوانف، کرزن»، «براون، مجموعه هوتوم شیندلر»

در مورد منابع نیز گاه به جهت رعایت اختصار از نام مؤلف استفاده شده است، مانند:

«منزوی» برای فهرست نسخه‌های خطی فارسی از احمد منزوی؛ «احوال» برای احوال و آثار خوشنویسان از مهدی بیانی؛ «مشار» برای فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از خانابا مشار؛ «بامداد» برای شرح حال رجال ایران از مهدی بامداد؛ «سمعانی» برای کتاب الانساب از عبدالکریم سمعانی.

و گاه نام کامل کتاب ذکر شده است، مانند: تذکره المعاصرین؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس؛ فرهنگ جغرافیایی ایران؛ مفتاح باب الابواب؛ مرآة الاحوال جهان نما؛ مرآة الابدان ناصری؛

و گاه از نام مؤلف + نام کتاب استفاده شده است: «حزین، تذکره الاحوال»؛ «حزین، تذکره المعاصرین»؛ «محمد معصوم، تاریخ سند» و غیره.

#### درباره ترجمه و تحریر فارسی اثر:

ترجمه این کتاب به دلیل ارجاعات بسیار به منابع زبان‌های مختلف انگلیسی، آلمانی، روسی، فرانسه، ترکی و غیره دشوار می‌نماید. در هنگام ترجمه، ضبط درست نام‌های کسان و جای‌ها می‌بایست بر مبنای فرهنگ‌ها و مراجع معتبر، سازگار با ساخت زبان فارسی انجام شود.

ترجمه فارسی جلد اول کتاب برگل که در سال ۱۳۶۲ در دو جلد به چاپ رسید به لحاظ ویرایش و تنظیم مطالب دارای اشکالاتی است که در زیر به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

#### ۱) درباره ترجمه چند واژه اصلی:

به نظر می‌رسد که ترجمه لیلیت فارسی برای Persian Literature مناسب نباشد و همان طور که می‌دانیم واژه Literature در زبان

انگلیسی به معنای آثار نوشته شده و نوشتجات هم به کار می‌رود و «نگاشته‌های فارسی» معادل صحیح‌تری برای آن است، چنانکه مترجمان در چاپ اول جلد اول اصطلاح Quranic Literature را نیز به درستی «نگاشته‌های درباره قرآن» ترجمه کرده‌اند.

برای واژه Descriptions که در ذیل آن منابع چاپ شده درباره مؤلف و اثر معرفی شده یاد می‌شوند، با چند معادل مواجه می‌شویم: «توصیفات»، «توصیف»، «توضیحات»، «شرح»، «شرح و وصف»، «وصف و گزارش». واژه Extracts نیز که در ذیل آن گزیده‌های تهیه شده از اثر یاد می‌شود نیز گاه «منتخبات» و «منتخب» و گاه «تلخیص‌ها و مستخرج‌ها» ترجمه شده است.

۲) در چاپ نخست جلد اول (۱۳۶۲) «فهرست اختصارات و منابع» در صص ۵۵ - ۹۴ به چاپ رسیده است، اما برخی از نشانه‌های به کار رفته در متن در اختصارات آغاز کتاب وجود ندارد و به نظر می‌رسد ترجمه این اختصارات به طور کامل انجام نشده است. برخی از این نام‌ها که بنا بر ترجمه کتاب مشخص نیست که اشاره به کدام فهرست یا کتابخانه هستند عبارت است از: اته؛ اشرف علی؛ اگره، ایس؛ اوپسالا؛ براون؛ برلین؛ بلوشه؛ بودلیان؛ بوهار؛ چستریتی؛ حلب؛ داکا؛ دهلی؛ دورن؛ دیوان هند؛ ریو؛ صولت؛ فلمینگ؛ فلوگل؛ قونیه؛ کانپور؛ کرافت؛ کریستنسن؛ لایزیک؛ لکهنو؛ لوت؛ لیدن؛ مدرس؛ موزه بریتانیا؛ واتیکان؛ هند.

۳) نام برخی از کتابخانه‌ها به همان صورت لاتین آمده و به فارسی نوشته نشده است:

aberystwyth (= ابریسوتیث)؛ Ahlwardt (= ویلهلم اهلورث [؟]؛ ASB coll (؟ ص ۱۵۷)؛ Caetani (= کایتانی)؛ Decourdemanche؛ Uri MSS (؟ ص ۱۰۸)؛ Heidelberg (= هایدلبرگ)

گاهی نیز هر دو شکل فارسی و لاتین استفاده شده است: رهاتسک و Rehatesk؛ کتابخانه اوقاف و استانبول، Evkaf؛ Muzese؛ بمبئی، یونیورسیتته. و یا حروف لاتین در کنار نام فارسی شده تکرار شده است.

۴) گاهی برای یک کتابخانه یا فهرست شکل‌های مختلف به کار رفته است:

«بانکیپور، فهرست فارسی» (در اختصارات)، «بانکیپور، فهرست نسخه‌های خطی فارسی» (در متن)؛ «بانکیپور، فهرست کتابهای فارسی» (در متن).

«لنینگراد، کاتالوگ مختصر» (در اختصارات)، «لنینگراد، فهرست مختصر» (در متن)؛ «لنینگراد، ترک»؛ «لنینگراد، کاتالوگ عربی».

«بمبئی، دانشگاه»؛ «بمبئی، یونیورسیتته».

«تهران، ملی»؛ «تهران، کتابخانه ملی».

«لاهور، دانشگاه پنجاب»؛ «لاهور، پنجاب، دانشگاه»؛ «لاهور، پنجاب، انیورسیتته».

«مشکاة - تهران»؛ «دانشگاه مشکاة»؛ «مشکات».

۵) در فارسی کردن نام‌ها به اشکال متفاوتی برمی‌خوریم:

کتاب‌های فارسی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴ - ۱۳۷۹ ج ۱ - ۵)، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱ (ج ۶ - ۷ و ۸ نیز به زودی منتشر خواهد شد)، بسیاری از نسخه‌های خطی فارسی موجود در جهان را معرفی کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در مورد نادرستی واژه «ادبیات» در برابر Literature در اینجا در بخش پایانی مقاله توضیح داده خواهد شد.

۲- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یو. ا. برگل، (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی)، ۱۳۶۲، ص ۸-۹.

۳- نامه استوری به و. مینورسکی در یکم ژوئیه ۱۹۶۳. نک. همان، ص ۱۱.

۴- درباره نشر یادداشت‌های چاپ نشده استوری تاکنون تصمیمی گرفته نشده است. فقط در سال ۱۹۷۱ بخشی از آنها که درباره مؤلفان آثار پزشکی بود منتشر گردید. نک. همان، ص ۱۱-۱۲، پانویس ۱۵.

۵- برگل در حال حاضر در قید حیات است. اما در منابع موجود اطلاعاتی درباره زندگینامه او نیافتیم.

6-A Catalogue of the Persian printed books in the British Museum compiled by Edwards E... London 1922.

۷- همان، ص ۳۶ و ۵۰.

۸- همان، ص ۱۳.

۹- این ترجمه‌ها از ترجمه روسی کتاب انجام شده‌اند، اما پیش از این ترجمه بخش‌هایی از کتاب استوری از انگلیسی به فارسی در نشریات ایران منتشر شده است. ترجمه جزء یکم، «ادبیات قرآنی» از عباس اقبال در نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی، دفتر یکم، تهران ۱۳۳۹، ص ۶۷-۱۵۳؛ همان‌جا، دفتر چهارم، تهران ۱۳۴۴، ص ۱۳-۵۱ ترجمه باب الف، ریاضیات از جلد دوم از تقی بینش که ترجمه همه کتاب را در نظر داشت و پس از درگذشت او این کار متوقف شد و فقط بخش‌هایی از باب تراجم احوال به طور پراکنده از او منتشر شد (مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال سوم (۱۳۴۶)، ش ۱، ص ۹۸۸-۱۰۰ و شماره‌های بعدی آن).

10 -Sheheglova, O.P. Katalog litografirovannykh knig na persidskom yazyke v sobranii Leningradskogo otdeleniya Instituta vostokovedeniya AN SSR.vol. 1-3. Moscow, 1975.

۱۱- درست آن آوارت است.

۱۲- همان، ص ۳۲. درباره ضرورت ادامه کار استوری نخستین کنگره جهانی ایران شناسان که در سال ۱۳۴۵ ش / ۱۹۶۶ م در ایران برگزار شد ادامه کار استوری را ضروری دانست و بعدها سمینار جهانی که درباره نسخه‌های دست نویس در ۱۳۴۶ ش / ۱۹۶۷ م در کابل تشکیل یافت بار دیگر این تصمیم را تأیید کرد. نک: همان، صص ۲۹-۳۰.

امر، امر، امر، عمر (Aumer) / الیگره، علیگره / ایا صوفیا، ایا صوفیه / بارتولد، بارتولد (Bartold) / بشیر آغا، بشیر آقا / روسن، روزن (Rosen) / طوقاپو، طوب قاپی، طوب قاپو / کرزون، کرزن (Curzon) / لوت، لوت (LOTH) / له له اسماعیل، لالا اسماعیل، لاله اسماعیل / مهران، مهران (Mehren) / هینز، هنز، هینتس، هینز (Heinz)

۶) آوانویسی برخی از نام‌های لاتین اشتباه است:

بورسا (Brusy) = بورسه / خراجی اوغلو = خراجچی اوغلو /

جنگ (de jong) = دو یونگ / سیمونف (Semenov) =

سمیونوف / کامبریج (Cambridge) = کمبریج / گوته (Gotha)

= گوتا / لندن، ساز (London SOAS) / لینسا (Lincai) =

لینچی / منیسا، مانیسا (Manisa) = مغنیسا / ولس (Vollers) =

والرز / هوتم - شیندلر (Houtum-Schindler) = هوتوم شیندلر.

۷) هنگام اشاره به کتابخانه‌های شخصی از عبارات یکسان

استفاده نشده است:

«تبریز، نسخه خطی در تصرف حاج حسین نخجوانی»؛ «تهران،

نسخه دستنویس از آن نصرالله تقوی»؛ «تهران، نسخه خطی دکتر

مفتاح»؛ «کربلا، نسخه خطی متعلق به سید عبدالحسین حجت»؛

«نجف، نسخه متعلق به آقا بزرگ تهرانی».

۸) عدم یکدستی در ارجاع به منابع: به عنوان نمونه ارجاع به جلد

۱۰ فهرست کتابخانه مجلس که خود شامل بخش‌های جداگانه‌ای

است به صورت‌های زیر دیده می‌شود: مجلس، ۱۰/۳، ص ۱۳۳۲؛

مجلس ۳/۱۰، ص ۱۱۸۵؛ مجلس ج ۱۰، ص ۵۰۰؛ مجلس، ج ۱۰

(۲)، ص ۵۹۲.

۹) در هنگام ارجاع به کتاب‌ها و نشریات، نام کتاب‌ها گاهی

ترجمه شده و گاهی نشده است و حتی در مورد یک منبع به هر دو

شکل بر می‌خوریم. اسامی نشریات اغلب با حروف لاتین قید شده و

باقی مشخصات به فارسی نوشته شده که درست نیست و نام کلیه

مشخصات منابعی که مؤلف آنها را به زبان اصلی استفاده کرده است

می‌بایست به همان صورت با حروف لاتین نوشته شوند.

۱۰) از علائم نقطه‌گذاری و نشانه‌های اختصاری به درستی

استفاده نشده است و همین نقص نوعی آشفتگی در تنظیم مطالب

کتاب ایجاد کرده است. اسامی نشریات و کتاب‌ها گاه داخل گیومه قرار

گرفته‌اند و گاه نگرفته‌اند، و البته از قاعده ایتالیک کردن نام کتاب‌ها و

نشریات هیچ‌گاه استفاده نشده است.

۱۱) اشتباهات تایپی نیز در سراسر کتاب به فراوانی به چشم

می‌خورد.

برگل ادامه کار استوری را که خود نقش بسزایی در آن ایفا کرد

منوط به تشکیل یک سازمان و همیاری گروه بسیاری از دانشمندان

کشورهای گوناگون جهان می‌داند.<sup>۱۲</sup>

اکنون در ایران استاد احمد منزوی توفیق یافته است که با استناد

به فهرست‌های منتشر شده در سراسر دنیا، در فهرست نسخه‌های

خطی فارسی (مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۸) و فهرستواره